

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: حمید مؤمنی (م . بید سرخی)
بازتایپ و ارسال از: یوسف فرهادی هوادار سازمان آزادیبخش مردم افغانستان « ساما »
۰۵ اگست ۲۰۲۰

مختصری از تاریخ جامعه

۵

یک روستا می توانست در عین حال بر اساس سلسله مراتب چند تیولدار داشته باشد: یکی تیولدار بزرگ بود که یک یا چند ایالت بزرگ را در تیول خود داشت و از شاه مستقیماً اطاعت می کرد، دوم تیولداری بود که چند شهر را با روستاهایش در تیول خود داشت و از تیولدار بزرگ اولی اطاعت می کرد، سوم تیولداری بود که چند روستا را در تیول خود داشت و از تیولدار دومی اطاعت می کرد و غیره.

در ابتدای دوران فئودالیزم ، تیول را همانطور که می دادند ، پس هم می گرفتند، ولی بعداً فئودالیزم تکامل پیدا کرد دیگر تیول ارثی شده بود و آن را پس نمی گرفتند و تیول هر شخص به وارثان آن شخص می رسید.

در اواخر دوران فئودالیزم تیول به کلی از بین رفت و جای آن را ملکداری یعنی مالکیت شخصی بر زمین گرفت، یعنی مالکیت مالکانی که خود صاحب یک یا چند ده بودند و روستائیان را استثمار می کردند.

پس می توان گفت که فئودالیزم دارای سه دوره است :

۱ – دوره رواج تیول غیر ارثی

۲ – دوره رواج تیول ارثی

۳ – دوره رواج ملکداری

آخرین مرحله فئودالیزم همان ملکداری یا مالکیت شخصی بر زمین است که در ایران تا قبل از اصلاحات ارضی به شدت وجود داشت در این دوره از فئودالیزم دیگر زمین را به عنوان تیول به کسی نمی دهند بلکه روستاهای بزرگ و کوچک و حتی قطعات زمین در اختیار مالکانی است که پشت اندر پشت مالک آن روستا یا زمین بوده اند . البته گاهی زمین خرید و فروش هم می شود.

در فئودالیزم علاوه بر تیولداری و ملکداری، وقف و خالصه نیز وجود دارد . به عبارت دیگر برخی مسجدها ، کلیساها، مقبره ها هر کدام تعداد زیادی روستا دارند که وقف نامیده می شود در مورد خالصه هم باید گفت که پس از کسر تیول و ملک و وقف مقداری از زمین ها برای شخص پادشاه یا دولت باقی می ماند که آن را به کسی تیول نمی دهد و به وسیله

مأموران دولت اداره می شود . این زمین ها را خالصه می گویند . در اواخر فنودالیزم در اکثر کشورهای جهان، قسمت اعظم زمین های خالصه به املاک سلطنتی تبدیل می شود .

پس بطور کلی در نظام فنودالیزم چند نوع مالکیت زمین داریم :

۱ - تیول (مالکیت مشروط)

۲ - وقف

۳ - ملک

۴ - خالصه

در بالا هر یک از این چهار نوع مالکیت فنودالی را در ایران به طور مختصر شرح دادیم ، اکنون ببینیم در سایر کشورهای جهان وضع چگونه بوده است .

گفتیم که نظام فنودالیزم تقریباً در تمام کشورهای جهان وجود داشته . البته باید به یاد داشت که کلیات فنودالیزم در همه جا یکی بوده ، فقط جزئیات آن در جاهای مختلف با هم کمی فرق داشته ، مثلاً در اروپا درست همین چهارنوع مالکیت وجود داشته ، شخص پادشاه را که مالک عالی تمام زمین های بوده سنیور می گفته اند . تازه این تیولدار فقط نسبت به ارباب خود که سنیور باشد و اسال بوده ولی نسبت به زیر دست خود یعنی تیولدار درجه دومی که از او تیول می گرفته سنیور به حساب می آمده و همین تیولدار درجه دوم که اسال تیولدار درجه اول بوده ، خود سنیور تیولدار درجه سوم به حساب می آمده و تیولدار درجه سوم و اسال او . پادشاه سنیور کل بوده و اسال کسی به حساب نمی آمده ، آخرین تیولدار نیز یعنی کوچکترین تیولداری که دیگر کسی از او تیول نمی گرفته فقط و اسال بوده و سنیور کسی به حساب نمی آمده ، بقیه همه بدون استثناء سنیور زیر دست های خود بوده اند و اسال بالا دست های خود . این سنیورها و اسال ها خود دستگاه اداری و نظامی و سیاسی مملکت را هم تشکیل می داده اند . هر اسال فقط از سنیور خود اطاعت می کرد . به طوری که یک ضرب المثل اروپائی می گوید :

« اسال و اسال من ، و اسال من نیست »

موقع جنگ نیز سنیور بزرگ اسال های خود را باسپاه احضار می کرده و آن اسال ها نیز هر یک اسال های خود را با سپاه فرا می خوانده اند و الی آخر و تمام آنها در جنگ برای سنیور بزرگ می جنگیده اند در مورد جانشین کلمه تیول همچنان که گفتیم اروپائی ها کلمات فنود و بنه فیس و غیره را به کار می برده اند که معنی هایشان اختلاف چندانی ندارد .

فصل دوم

طبقات در نظام فنودالیزم

طبقه استثمارگر در نظام فنودالیزم، فنودال ها هستند . تمام اسال و سنیورها ، ملکداران ، روحانیان و گردانندگان مؤسسات مذهبی (مسجدها و مقبره های مقدس و کلیسا و غیره) ، کارکنندگان دستگاه اداری و عمالشان همه جز طبقه فنودال به حساب می آیند . در مقابل طبقه فنودال که بهره کش است ، طبقه دهقان قرار دارد که بهره ده است . در نظام فنودالیزم قسمت اعظم مردم کشور را توده های دهقانان تشکیل می دهند . فنودال ها عده معدودی هستند که گاهی از چند خانواده بزرگ تجاوز نمی کنند . در ایران ساسانی (قبل از اسلام) که نظام فنودالیزم در آن حاکم بوده ، با وجود این که کشور خیلی پهناور و بزرگ بوده ، ولی فقط هفت خاندان بزرگ فنودال در آن وجود داشته اند . البته طبقه فنودال را همین هفت خاندان نبوده ولی استخوان بندی اصلی طبقه فنودال را همین هفت خاندان تشکیل می داده اند . در مقابل ،

میلیون ها میلیون توده دهقان وجود داشته که تمام عمر زحمت می کشیده اند و حاصل دسترنج خود را به عنوان بهره مالکانه و مالیات به گلوی بهره - کشان یعنی طبقه فئودال ، می ریخته اند . البته در کنار این دو طبقه اصلی ، پیشه وران نیز وجود داشته اند . پیشه وران بیشتر در شهر ها ساکن بوده اند . اکثر پیشه وران در دوران فئودالیزم دارای وضع بدی بودند ، فقط عده کمی از آنها که به فئودال ها وابسته بودند و در حول و حوش آنها قرار داشتند وضعشان نسبتاً بهتر بود . بعد ها همین پیشه وران رشد کردند و نطفه های سرمایه داری را ریختند و پس از سقوط فئودالیزم در کشور های مختلف، به صاحبان اصلی ملک و ملت و طبقه اصلی بهره کش تبدیل شدند که بعداً در باره این موضوع سخن خواهیم گفت .

گفتیم که تیولدار های درجه اول از شاه زمین می گرفتند و تیولدار های درجه دوم هر یک قسمتی از تیول تیولدار درجه اول را از او می گرفتند و تیول دار درجه سوم نیز قسمتی از تیول تیولدار درجه دوم را ، الی آخر . آخرین تیولدار در این سلسله مراتب ، یعنی کوچکترین تیولداری که خود زمینش را به کسی تیول نمی داد، زمین های خود را بین روستائیان تقسیم می کرد و هر قطعه را به یک یا چند نفر می داد که بکارند و سالانه مثلاً چهار پنجم محصول را به عنوان بهره مالکانه به او تحویل دهند . البته این تمام بهره کشی طبقه فئودال نبود ، بلکه دهقان مجبور بود که به اربابان خود به اشکال مختلف بهره - مالیات بپردازد . مثلاً بابت مرغ و گوسفندی که در خانه دارد ، بابت درختی که در کنار خانه اش نشانه است ، بابت کشمشی که در آفتاب خشک می کند ، بابت قالی و پارچه ای که زنش در خانه می بافت و غیره . به خاطر تمام این ها می بایست بهره می پرداخت .

البته چون شخص تیولدار نماینده دولت بود و خود نیز حکومت آن محل را به هر صورت به عهده داشت ، بنابر این چیزی را که از کشاورز می گرفت هم شکل بهره و سود داشت و هم شکل مالیات ، بنابر این استثماری را که طبقه فئودال در آغاز فئودالیزم از دهقانان می کند معمولاً بهره - مالیات می نامند . اغلب ، بهره - مالیات ها را به وسیله گروه های سرباز می گرفتند که آنها را مالیات بگیر یا تحصیلدار می نامیدند .

در زمین های وقف و خالصه و ملک (مالکیت شخصی ملاکان) نیز تقریباً به همین شکل از دهقانان بهره کشی می شد . یعنی در هر صورت برای دهقانان فرقی نمی کرد که اربابشان که باشد، پادشاه یا مسجد و کلیسا یا تیولدار یا ملکدار ، هر کس که می خواست باشد، از او به اشکال مختلف بهره - مالیات می گرفتند . مهم ترین این بهره ها بهره مالکانه بود که تقریباً در اکثر جاهای ایران چهار پنجم کل محصول بود . تمام تولیدات دیگر دهقان هم از جوراب باقی زنش تا کشمش خشک کردن خودش همه و همه بهره - مالیات داشت .

آنچه بر شمریم بهره - مالیات هائی بود که از در آمد دهقان گرفته می شد . مالیات های دیگری نیز از دهقانان می گرفتند از جمله ، سرباز . یعنی هر خانوار می بایست تعداد معینی سرباز به فئودال می داد ، یا مالیات سرانه ، یا پیشکش و بسیاری مالیات های گوناگون دیگر . علاوه بر همه این ها دهقانان می بایست بیگار نیز می دادند . یعنی سالانه روزهای مشخصی را برای فئودال ها به طور مجانی کار کنند . درباره انواع بهره - مالیاتهای فئودالی در ایران، کتاب های کم ، ولی پر ارزشی در زبان فارسی وجود دارد که استفاده از آن ها نیاز به معلومات بیشتری دارد ، امیدواریم که خوانندگان این کتاب توفیق مطالعه آن ها را هم پیدا کنند .

فصل سوم

اشکال سه گانه بهره در فئودالیزم

به طور کلی می توان گفت در طی دوران دراز فنودالیزم ، بهره – مالیات سه شکل اساسی داشته ، که هر یک به ترتیب زیر جانشین دیگری شده است :

الف – بهره کاری

ب – بهره جنسی

ث – بهره پولی

بهره کاری که بیشتر از سایر انواع بهره به شکل استثمار در نظام برده داری شبیه است ، در اوایل دوران فنودالیزم مرسوم بوده . یعنی ارباب تکه زمینی را به رعیت می داده تا آن را برای خود بکارند و در عوض او را مجبور می کرده ، روی زمینی که متعلق به ارباب است ، به طور رایگان و به عنوان بیگار کار کند . بهره کاری ، بدین صورت مخصوص دوران نخستین فنودالیزم است و چنان که گفتیم به شکل استثمار بردگان شباهت زیادی دارد . البته در بسیاری از جوامع ، بهره کاری به این شکل هرگز وجود نداشته و شکل بهره از همان ابتداء جنسی بوده . در واقع بردگانی که در آغاز فنودالیزم به رعیت تبدیل شده اند ، بیشتر بهره کاری به ارباب می داده اند ، اما کشاورزان آزاد یعنی اهالی جماعت های آزاد روستائی که به وسیله فنودال ها تسخیر می شدند و در نتیجه به رعیت تبدیل می گردیدند ، از همان آغاز به فنودال ها بهره جنسی یعنی سهمی از محصول را می پرداختند . البته اینان هم کار بی مزد (بیگار) برای ارباب انجام می دادند ، ولی این کار جزئی و فرعی بود .

بهره جنسی بعدها جانشین بهره کاری شد . در برخی نقاط هم ، چنان که گفتیم ، از همان آغاز بهره جنسی رایج بود . کشاورز مجبور بود مقدار زیادی از محصول را به صورت های مختلف به عنوان بهره و مالیات به ارباب و دولت بپردازد . بهره – مالیاتهای گوناگون حد و مرزی نداشت . کشاورزان می بایست ، چنان که قبلاً هم گفتیم ، حتی بابت کشمشی که در زیر آفتاب خشک می کردند ، بهره ای به نام « حق آفتاب » می پرداختند خلاصه فقط مقداری ناچیزی از محصول برای آن ها باقی می ماند که به زحمت شکمشان را سیر می کرد .

البته کشاورزانی که بهره جنسی می پرداختند ، می بایست بهره کاری هم (بیگار) در کنار آن نیز می پرداختند ، منتها چنان که گفتیم مقدار آن نسبت به گذشته ناچیز بود. در آغاز ، بهره کاری برای تولید کشاورزی و اداره املاک ارباب بود ولی بعدها که بهره اصلی همان بهره جنسی شد ، بهره کاری به صورتی فرعی در آمد . یعنی دهقانان می بایست کارهای خانه و احیاناً مزارع خصوصی ارباب را به طور مجانی انجام می دادند و خانه و ساختمان و غیره برای او می ساختند . ساختمان های مساجد ، ادارات دولتی و بناهای تاریخی دوران فنودالیزم ، همه به وسیله بیگار دهقانان ساخته شده .

پس دو دورانی که بهره جنسی بهره اساسی بود ، بهره کاری هم در کنار آن وجود داشت ، منتها بهره فرعی بود . دادن سرباز هم در واقع یک نوع بهره کاری بود . بهره جنسی تقریباً تا اواخر دوران فنودالیزم دوام آورد . این بهره دوران عمرش خیلی زیاد بوده و نزدیک به تمام دوران فنودالیزم را دربر گرفته .

ادامه دارد...